

■ **ساخت موسیقی فیلم از آثارشاحص وبارز حسین علیزاده است و طی سال‌ها فعالیت در این زمینه، کارهای بسیار ارزشمندو ماندگاری را آهنگسازی کرده که هر کدام رنگ و طعمی متفاوت دارند. ارزیابی و دیدگاه شما از جهان بینی حسین علیزاده در موسیقی فیلم چیست؟**

محمدعلی نجفی؛ ابتدا بهتر است از آشنایی خود با استاد حسین علیزاده بگویم. به یاد دارم اوایل سال ۶۰ بود آن زمان پیش تولید سریال «سربداران» به‌طور جدی آغاز شد و آقای علی زکان دستیار من در این سریال بود- که البته امروزی یکی از کارگردانان مطرح سینمای ایران است- و از طریق خواهرش و موزیسین بود با آقای علیزاده آشنایی و ارتباط داشتند. پیش‌نهاد من برای ساخت موسیقی فیلم «سربداران» آقای مرتضی حنانه بود و البته صحبت‌هایی هم در این زمینه انجام گرفت اما احساس کردم دیدگاه و سلیقه‌مان کمی متفاوت است بنابراین به پیشنهاد آقای زکان، تصمیم بر آن شد با آقای علیزاده صحبت کنم و وعده این دیدار انجام گرفت. ساخت موسیقی این سریال برایم بسیار اهمیت داشت و زمانی که موضوع تاریخی این کار را با آقای علیزاده مطرح کردم پاسخ داد کار من نیست و به پیشنهاد او قرار شد با استاد فرهاد فخرالدینی صحبت کنم. این برخورد آقای علیزاده را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم و از خاطرم پاک نمی‌شود چرا که تاثیر بسیار مثبت و عجیبی در من ایجاد کرد... بعد این صحبت‌ها از آقای فخرالدینی وقت دیدار گرفت تا در این باره صحبت کنیم و این موضوع سرآغاز آشنایی من با آقای علیزاده بود...

اوایل دهه ۷۰ همسر به‌عنوان مدیر هنرستان موسیقی دختران انتخاب شد و آقای علیزاده در آن هنرستان تدریس می‌کرد و البته همزمان مدیریت هنرستان موسیقی پسران را هم برعهده داشت. این ارتباط موجب دوستی و آشنایی بیشتر شد و رفت و آمدهای خانوادگی شکل گرفت تا آنکه سال ۷۷ فیلم «عشق طاهر» را ساختم و از آقای علیزاده خواش کردم موسیقی این فیلم را برعهده بگیرد. ناگفته نماند قبل تر با نحوه خلاقیت آثار موسیقایی آقای علیزاده آشنایی داشتم و البته جای خرسندی و سعادت است که طی سال‌ها فعالیت توانسته‌ام با موزیسین‌های بزرگ افتخار همکاری داشته باشم از جمله آقای فرهاد فخرالدینی که از این همکاری بسیار لذت بردم چرا که این آهنگسازان بزرگ علاوه بر دریافت درک بسیار بالا در تباد نظر

و همکاری، تاثیر بسیار شگرفی در من ایجاد کردند. به‌عنوان مثال در «عشق طاهر» هدفم این بود موسیقی، یک اغتشاش را به تصویر بکشد چرا که موضوع فیلم درباره لمینیزم بود و احساس من به تصویر کشیدن این موضوع و هشدار به مردم که مواظب لمپن‌ها باشید تا در جامعه قذقم نکنند و سرانجام گفت‌وگو با آقای علیزاده انعکاس خوب موسیقی این فیلم بود و این ارتباط بیشتر و بیشتر شد تا دهه ۸۰ و همچنان رفت و آمدها ادامه داشت. البته در حال حاضر مدتی است که از ایشان بی‌خبرم و از طریق رسانه‌ها پیگیر کارهایشان هستم

■ **ساخت موسیقی «عشق طاهر» بواسطه آشنایی با آقای علیزاده بود یا شناخت قبلی که از کارهایشان داشتید؟**
نجفی؛ صادقانه باید بگویم تقریباً هر دو موضوع زمینه این همکاری شد. به یاد دارم اکران فیلم «ایلی با من است» بود و من جزو مشاوران این کار بودم، به آقای علیزاده پیشنهاد کردم این فیلم را با هم ببینیم- البته این فیلم قبل از «عشق طاهر» ساخته شد- در این رفت و آمدها دیالوگ‌هایی بین ما رد و بدل گردید که تفکر و اندیشه‌هایمان را نزدیک تر کرد. البته ناگفته نماند پیش‌تر با موسیقی فیلم «دلشدگان» مرحوم علی حاتمی آشنایی داشتم و بسیار تحت تاثیر این کار قرار گرفتم. موسیقی زیبا با صدای آقای شجریان که به‌نظر من یک ایده بکر بود اما با تمام این تفاسیر از دیدگاه من مجموعه کارهای کم‌نظیر آقای علیزاده در فیلم «گبه» دارم نخست موسیقی آقای حسین علیزاده و دوم تصویربرداری آقای محمود کلاری و همه این عوامل مقدمه‌ای بر همکاری من با آقای علیزاده بود.

از دیدگاه من موسیقی «عشق طاهر» متفاوت با دیگر کارهای آقای علیزاده در همکاری با علی حاتمی و مخملباف است. البته این تجربه را در همکاری با آقای فخرالدینی هم داشته‌ام به‌عنوان مثال فیلم «گزارش یک قتل» یا «پرستار شب» کاری بسیار متفاوت با فضا سازی «سربداران» و «وعلی سینا» است و جهان دیگری را مطرح می‌کند.

فریدن خلعتبری؛ اساساً استاد حسین علیزاده به‌دنبال تاریخ گفتن از خود نبوده و نیست و خود را با آثارش بیان می‌کند و آن تاریخ ایجاد می‌شود. زمانی که «عشق طاهر» آقای نجفی ساخته شد آقای علیزاده به موسیقی دراماتیک روی آورده بود و کمک

به این جریان بود و پیش از صحبت شما دونفر (علیزاده و نجفی) درباره ساخت موسیقی «سربداران» آقای علیزاده تجربه درخشانی در تئاتر به‌دست آورده بود و در یک بازه زمانی با استاد بهرام بیضایی همکاری داشت. آن زمان موسیقی‌های صحنه‌ای با نگرش دراماتیک اجرا می‌شد. جالب است گفتید گرایش قبلی شما در ساخت موسیقی «سربداران» آقای حنانه است چرا که او هم در زمینه موسیقی ارکسترال فعالیت داشته و کارهای او این قابلیت هنری را دارد که در کنار فیلم‌های درام نبینند. اما سؤال من از شما این است در تجربه کاری آقای علیزاده با آقای فخرالدینی به چه نسبتی رسیدید؟ در واقع اگر کار «سربداران» را آقای علیزاده انجام می‌داد به‌نظر شما چه نوع موسیقی ساخته می‌شد؟ **نجفی**؛ یکی از آثار ماندگار آقای علیزاده «نینوا» است و من توانی گفت فضای موسیقایی «نینوا» نسبت نزدیکی با «سربداران» دارد اما اینکه خود ایشان آقای فخرالدینی را معرفی می‌کند نمی‌دانم نام آن را باید عرفان نهاد یا معرفت! در اینجا نگاه مادی وجود ندارد و یک نوع اندیشه مرید و مرادی است و این موضوع درمن بسیار اثر گذار است. از دیدگاه من استاد فخرالدینی با ساخت «سربداران» موسیقی را نهاده‌نه کرد و دیگری نمی‌توانیم به موسیقی «سربداران» بگویم آهنگ‌های انقلابی بلکه این کار به‌نظر من بسیار بسیار ارزشمند است. **خلعتبری**؛ سابقه آشنایی من با استاد علیزاده بیشتر از آقای نجفی است البته نه به لحاظ سن و سال، به خاطر تاثیری که از حسین علیزاده گرفتم. زمانی که نوجوان بودم کارهایشان را در جشن هنر شیراز، جریان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و ماجرای که بعدها به «چاووش» منتهی شد دنبال می‌کردم؛ آن زمان فعالیت‌م در زمینه موسیقی پاپ بود اما با شنیدن آن نوع موسیقی متوجه شدم در موسیقی چیزی دیگری هم اتفاق افتاده و گویا حسین علیزاده قرار است در هر زمان جریان جدیدی را به آدم‌ها یاد آوری کند و در این سال‌ها بسیار تحت تاثیر نگاه و آثارشان قرار گرفتم. زمانی که اولین کار دراماتیک با سازهای ایرانی را انجام دادم متوجه شدم آقای علیزاده در مجله فیلم، نامی از من برده‌اند و این کارشان بیانگر آن است علیزاده نه تنها احترام به بزرگ‌تر و استادش آقای فخرالدینی را فراموش نمی‌کند بلکه به شاگردانش هم توجه دارد. البته من هیچ وقت محصل مستقیم آقای علیزاده نبوده‌ام ولی شاگرد بالفعل و بالقوه ایشان بوده‌هستم.

نجفی؛ دخترم سارا فارغ التحصیل رشته آهنگسازی است و در مقوله تار و آهنگسازی شاگرد مستقیم آقای علیزاده بوده. البته به طور مشخص با سه استاد فرهاد فخرالدینی، کامبیز روشن روان و حسین علیزاده کار کرده اما از آقای علیزاده تاثیر بسیاری گرفته و یکی از مشوقان سارا و دوستانش برای ادامه تحصیل در رشته آهنگسازی بوده است. درواقع تاثیر مستقیم استاد علیزاده بر هنرجوانش را دیده‌ام. صادقانه بگویم شرایط امروز به گونه‌ای است که احترام شاگرد و استادی کم رنگ شده این در حالی است که در رشته موسیقی شما همیشه شاگرد هستید و مرید؛ مانند آقای علیزاده که همچنان با احترام و عزت از استاد خود علی اکبرخان شهنازی یاد می‌کند. من نیز به استاید خود احترام می‌گذارم و این رابطه مرید و مرادی در تمامی رشته‌های هنری دیده می‌شود. **خلعتبری**؛ آقای علیزاده احترام قلبی بسیاری هم به استاد هوشنگ ظریف دارند و آنچنان متعصب از استاد خود سخن می‌گوید که کاملاً قابل احساس بود.

نجفی؛ اگر آقای علیزاده با منات و ادب از استاد خود سخن می‌گوید نشانه بزرگواری اوست در حالی که در رشته موسیقی حتی به ابداع ساز رسیده و امثال او در طول تاریخ موسیقی ایران بسیار است. بطور مثال مانند حافظ در کشور ما کم نیستند اما حافظ شیرازی یک نفر است و قرن‌ها بعد هنرمند برجسته‌ای چون عباس کیارستمی با توانایی بسیار بر روی اشعار سعدی و حافظ آثار زیبایی خلق می‌کند و این اتفاق ساده‌ای نیست. صادقانه بگویم اخلاق و منش آقای علیزاده و تاثیر آن که از رفتارشان گرفتم موجب شد حس و ارتباط عاطفی و قلبی خاص به او داشته باشم.

به این جریان بود و پیش از صحبت شما دونفر (علیزاده و نجفی) درباره ساخت موسیقی «سربداران» آقای علیزاده تجربه درخشانی در تئاتر به‌دست آورده بود و در یک بازه زمانی با استاد بهرام بیضایی همکاری داشت. آن زمان موسیقی‌های صحنه‌ای با نگرش دراماتیک اجرا می‌شد. جالب است گفتید گرایش قبلی شما در ساخت موسیقی «سربداران» آقای حنانه است چرا که او هم در زمینه موسیقی ارکسترال فعالیت داشته و کارهای او این قابلیت هنری را دارد که در کنار فیلم‌های درام نبینند. اما سؤال من از شما این است در تجربه کاری آقای علیزاده با آقای فخرالدینی به چه نسبتی رسیدید؟ در واقع اگر کار «سربداران» را آقای علیزاده انجام می‌داد به‌نظر شما چه نوع موسیقی ساخته می‌شد؟ **نجفی**؛ یکی از آثار ماندگار آقای علیزاده «نینوا» است و من توانی گفت فضای موسیقایی «نینوا» نسبت نزدیکی با «سربداران» دارد اما اینکه خود ایشان آقای فخرالدینی را معرفی می‌کند نمی‌دانم نام آن را باید عرفان نهاد یا معرفت! در اینجا نگاه مادی وجود ندارد و یک نوع اندیشه مرید و مرادی است و این موضوع درمن بسیار اثر گذار است. از دیدگاه من استاد فخرالدینی با ساخت «سربداران» موسیقی را نهاده‌نه کرد و دیگری نمی‌توانیم به موسیقی «سربداران» بگویم آهنگ‌های انقلابی بلکه این کار به‌نظر من بسیار بسیار ارزشمند است. **خلعتبری**؛ سابقه آشنایی من با استاد علیزاده بیشتر از آقای نجفی است البته نه به لحاظ سن و سال، به خاطر تاثیری که از حسین علیزاده گرفتم. زمانی که نوجوان بودم کارهایشان را در جشن هنر شیراز، جریان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و ماجرای که بعدها به «چاووش» منتهی شد دنبال می‌کردم؛ آن زمان فعالیت‌م در زمینه موسیقی پاپ بود اما با شنیدن آن نوع موسیقی متوجه شدم در موسیقی چیزی دیگری هم اتفاق افتاده و گویا حسین علیزاده قرار است در هر زمان جریان جدیدی را به آدم‌ها یاد آوری کند و در این سال‌ها بسیار تحت تاثیر نگاه و آثارشان قرار گرفتم. زمانی که اولین کار دراماتیک با سازهای ایرانی را انجام دادم متوجه شدم آقای علیزاده در مجله فیلم، نامی از من برده‌اند و این کارشان بیانگر آن است علیزاده نه تنها احترام به بزرگ‌تر و استادش آقای فخرالدینی را فراموش نمی‌کند بلکه به شاگردانش هم توجه دارد. البته من هیچ وقت محصل مستقیم آقای علیزاده نبوده‌ام ولی شاگرد بالفعل و بالقوه ایشان بوده‌هستم.

نجفی؛ دخترم سارا فارغ التحصیل رشته آهنگسازی است و در مقوله تار و آهنگسازی شاگرد مستقیم آقای علیزاده بوده. البته به طور مشخص با سه استاد فرهاد فخرالدینی، کامبیز روشن روان و حسین علیزاده کار کرده اما از آقای علیزاده تاثیر بسیاری گرفته و یکی از مشوقان سارا و دوستانش برای ادامه تحصیل در رشته آهنگسازی بوده است. درواقع تاثیر مستقیم استاد علیزاده بر هنرجوانش را دیده‌ام. صادقانه بگویم شرایط امروز به گونه‌ای است که احترام شاگرد و استادی کم رنگ شده این در حالی است که در رشته موسیقی شما همیشه شاگرد هستید و مرید؛ مانند آقای علیزاده که همچنان با احترام و عزت از استاد خود علی اکبرخان شهنازی یاد می‌کند. من نیز به استاید خود احترام می‌گذارم و این رابطه مرید و مرادی در تمامی رشته‌های هنری دیده می‌شود. **خلعتبری**؛ آقای علیزاده احترام قلبی بسیاری هم به استاد هوشنگ ظریف دارند و آنچنان متعصب از استاد خود سخن می‌گوید که کاملاً قابل احساس بود.

نجفی؛ اگر آقای علیزاده با منات و ادب از استاد خود سخن می‌گوید نشانه بزرگواری اوست در حالی که در رشته موسیقی حتی به ابداع ساز رسیده و امثال او در طول تاریخ موسیقی ایران بسیار است. بطور مثال مانند حافظ در کشور ما کم نیستند اما حافظ شیرازی یک نفر است و قرن‌ها بعد هنرمند برجسته‌ای چون عباس کیارستمی با توانایی بسیار بر روی اشعار سعدی و حافظ آثار زیبایی خلق می‌کند و این اتفاق ساده‌ای نیست. صادقانه بگویم اخلاق و منش آقای علیزاده و تاثیر آن که از رفتارشان گرفتم موجب شد حس و ارتباط عاطفی و قلبی خاص به او داشته باشم.

به این جریان بود و پیش از صحبت شما دونفر (علیزاده و نجفی) درباره ساخت موسیقی «سربداران» آقای علیزاده تجربه درخشانی در تئاتر به‌دست آورده بود و در یک بازه زمانی با استاد بهرام بیضایی همکاری داشت. آن زمان موسیقی‌های صحنه‌ای با نگرش دراماتیک اجرا می‌شد. جالب است گفتید گرایش قبلی شما در ساخت موسیقی «سربداران» آقای حنانه است چرا که او هم در زمینه موسیقی ارکسترال فعالیت داشته و کارهای او این قابلیت هنری را دارد که در کنار فیلم‌های درام نبینند. اما سؤال من از شما این است در تجربه کاری آقای علیزاده با آقای فخرالدینی به چه نسبتی رسیدید؟ در واقع اگر کار «سربداران» را آقای علیزاده انجام می‌داد به‌نظر شما چه نوع موسیقی ساخته می‌شد؟ **نجفی**؛ یکی از آثار ماندگار آقای علیزاده «نینوا» است و من توانی گفت فضای موسیقایی «نینوا» نسبت نزدیکی با «سربداران» دارد اما اینکه خود ایشان آقای فخرالدینی را معرفی می‌کند نمی‌دانم نام آن را باید عرفان نهاد یا معرفت! در اینجا نگاه مادی وجود ندارد و یک نوع اندیشه مرید و مرادی است و این موضوع درمن بسیار اثر گذار است. از دیدگاه من استاد فخرالدینی با ساخت «سربداران» موسیقی را نهاده‌نه کرد و دیگری نمی‌توانیم به موسیقی «سربداران» بگویم آهنگ‌های انقلابی بلکه این کار به‌نظر من بسیار بسیار ارزشمند است. **خلعتبری**؛ سابقه آشنایی من با استاد علیزاده بیشتر از آقای نجفی است البته نه به لحاظ سن و سال، به خاطر تاثیری که از حسین علیزاده گرفتم. زمانی که نوجوان بودم کارهایشان را در جشن هنر شیراز، جریان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و ماجرای که بعدها به «چاووش» منتهی شد دنبال می‌کردم؛ آن زمان فعالیت‌م در زمینه موسیقی پاپ بود اما با شنیدن آن نوع موسیقی متوجه شدم در موسیقی چیزی دیگری هم اتفاق افتاده و گویا حسین علیزاده قرار است در هر زمان جریان جدیدی را به آدم‌ها یاد آوری کند و در این سال‌ها بسیار تحت تاثیر نگاه و آثارشان قرار گرفتم. زمانی که اولین کار دراماتیک با سازهای ایرانی را انجام دادم متوجه شدم آقای علیزاده در مجله فیلم، نامی از من برده‌اند و این کارشان بیانگر آن است علیزاده نه تنها احترام به بزرگ‌تر و استادش آقای فخرالدینی را فراموش نمی‌کند بلکه به شاگردانش هم توجه دارد. البته من هیچ وقت محصل مستقیم آقای علیزاده نبوده‌ام ولی شاگرد بالفعل و بالقوه ایشان بوده‌هستم.

■ **از دیدگاه شما جنس موسیقی آثار مستقل حسین علیزاده با موسیقی فیلم‌هایی که ساخته است چه قرابت یا تفاوتی دارد؟**
خلعتبری؛ به باور من هنرمند هیچ گاه غیرمستقل نبوده و نیست حتی در سینما. صحبت و تأکیدی که همیشه با دوستان کارگردان مطرح کردم این است تا زمانی که موسیقی روی فیلم قرار نگیرد و میکس نشود آن فیلم تمام نشده و آماده نمایش نیست و هرگاه با برخی دیگر از دوستان کارگردان که احساس صمیمیت بیشتری داریم صحبت می‌کنیم، این کار برخاسته از ردیف موسیقی ایرانی است و از دیدگاه من ردیف را از انواع موسیقی مجزا می‌کند و رشد سلولی موتیف است که در دل خود منتشر می‌شود مانند هنر معماری و اگر آهنگسازی این دیدگاه را نمی‌پسندد به این دلیل است که نتوانسته هسته اصلی موسیقی را برآور کند.

آهنگسازی هستند که ملودی‌های مشابه‌شان را به فیلم تزریق می‌کنند؛ آهنگ‌های زیبایی که می‌توانند پیش‌تر وجود داشته باشند و خیلی هم متأثر از فضای دراماتیک فیلم نباشند اما حضور احساسی در فیلم پیدا کنند. احساساتی عمدتاً سطحی که اغلب نشان از سطحی بودن فیلم دارد. در مقابل، فیلم‌هایی که عمیق‌ترند نیاز به موسیقی عمیق‌تر دارند و همراهی مخاطب از جنس عقل و عاطفه توانان می‌شود در اینجا موزیسین باید اثری خلق کند که هم تازه باشد و هم نتیجه تاثیر فلسفی – حسی از فیلم دیده شود. این توانایی درک نه فقط حسی، نیاز به مقدمه‌ای دارد که از جنس موسیقی



محمد علی نجفی و فردین خلعتبری در گفت‌وگو با

«ایران» از آثار موسیقی فیلم **حسین علیزاده** می‌گویند

نامی که در خود تعریف می‌شود

نداسجانی
 خبرنگار

«پیش از این که موسیقی بخوانم در زندگی من جریان داشت و جزئی از زندگی بود که در درون اندیشه همه ما تزیق می‌شد.» صاحب این سخن حسین علیزاده است، نوازنده و آهنگساز نام‌آشنا و توانمند موسیقی ایران. کارنامه پربار او در بیش از ۵۰ سال فعالیت در این عرصه، نام حسین علیزاده را در دنیای موسیقی به ثبت رسانده است. علاقه حسین علیزاده به سینما به دوران کودکی او بر می‌گردد و این موضوع سبب می‌شود دوره‌های آکادمی را هم بگذراند و البته در کنار آن دیدن فیلم بخشی از زندگی اوست که آرام آرام این استعداد را در درون او متبلور می‌کند.

«دلشدگان»، «گبه»، «زشت و زیبا»، «زمانی برای مستی اسب‌ها»، «آواز گنجشک‌ها»، «ملکه» و... از آثار موسیقی فیلم‌های اوست که هر کدام بیانگر نغمه‌های زیبای موسیقی ایرانی و موسیقی بومی ایران است که توانسته در کنار برگزیده‌های جشنواره‌های

سینمایی، به‌عنوان بهترین موسیقی فیلم انتخاب شود. به انگیزه تولد او که یکم شهریور ماه است میزگردی با حضور آقایان محمدعلی نجفی، فیلمنامه‌نویس و کارگردان و فردین خلعتبری موسیقیدان و آهنگساز بر گزار کردیم که به بررسی آثار موسیقی فیلم حسین علیزاده پرداخته شده است و در ادامه می‌خوانید:

عامیانه نیست. البته مهم این است که باز آنچه می‌شنویم لطیف، آشنای روح و رییا باشد. مثل موسیقی فیلم «گبه» مخملباف. در «گبه» کارگردان می‌توانست از موسیقی‌های آماده و مستند عشایر استفاده کند ولی نگاه گاهی سوررئالیستی فیلم چیز جدیدی را می‌طلبد که مرتبط با سنت و در ضمن نوشتن است. حسین علیزاده به دلیل اینکه تمرکز اصلی‌اش سراغ او رفته‌اند چیزی در موسیقی او یافته‌اند که ما به ازای فکرشان بوده است و موسیقی زمانه‌شان را در او یافته‌اند. موسیقی زمانه در این دوره کم است. موسیقی زمانه باید هم نوباشد و هم با گذشته و حال مرتبط. من فعالیت ابتدایی خود را با موسیقی فیلم آغاز کردم و سال‌ها بعد در کنار موسیقی فیلم به دنبال کارهای دیگری در موسیقی بودم و در این مدت زمان فیلم‌هایی مطرح شد که از جنس موسیقی من نبود اما تلاش کردم بتوانم در این زمینه هم اثری تولید کنم ولی آقای علیزاده این کار را هرگز انجام نمی‌دهد و بی تردید به همین دلیل است که آثارش متمایز از دیگر آهنگسازان بوده و هست و این تفاوت در کارهای که با آقای بهمین قبادی انجام گرفته یا حتی در همکاری با آقای باشه‌آنگر و دیگر کارگردانان کاملاً محسوس است. نکته دیگر آشنایی حسین علیزاده با موسیقی چند صدایی بر روی آثار شرقی است مانند بارتوک. استفاده از آکردهای مناسب برای نمایش تم‌های شرقی. او این تجربه را هم در ارکستر سازهای شرقی دارد و هم در ارکستر سمفونیک و در هر دو گرایش زایش موسیقی وجه شاعرانه و روان خود را از دست نداده است. مانند موسیقی «نینوا» در مقایسه با «آوای مهر». در هر دو گونه فیلم‌زاده احساس بداهه نوازی را هم القا می‌کند. بداهه پردازی از نوعی که شاعران انجام می‌دهند. او زمانش

را با زبانش یکی می‌کند. در واقع خودش را باز می‌آفریند. خود همزمان تاثیرگذار و تاثیرپذیرنده و در این خویش عریانی مدعی هم نیست. یک عرفان شخصی و راضی کننده و از اینجا به بعد بررسی و تحلیل موسیقی او وظیفه فیلسوفان ایرانی است. موسیقی مرتبط به زمانه‌مان موجود است و اگر فلسفه به آن نقد نداشته باشد می‌توان به فیلسوف خرده گرفت. **نجفی**؛ با نظر شما موافق هستم در دنیای هنر یک تعداد از چهره‌ها تاریخ ساز و متفاوت هستند و حسین علیزاده از آن دسته هنرمندانی است که کار متفاوت خلق کرده و همچنان این مسیر را ادامه می‌دهد. من علاقمند و شونده موسیقی هستم و صلاحیت و کارشناسی در امر موسیقی ندارم اما می‌خواهم بگویم با شنیدن موسیقی‌های حسین علیزاده دچار ششین می‌شوم. بهتر است این گونه مثال بزنم وقتی صحبت از فلسفه پیش می‌آید یعنی نه علم است و نه هنر اما دچار تخیل می‌شویم و موسیقی یکی از ستون‌های فلسفه است چرا که ذهنی‌ترین هنر است. درواقع همه هنرها تلاش‌شان این است که به موسیقی نزدیک شوند و این تداعی معانی به موسیقی نزدیک شود یعنی به آن جهان فلسفه نزدیک شوند و جهان انتزاع در شخص من یعنی شنیدن موسیقی حسین علیزاده. البته باز هم تأکید می‌کنم ادعایی ندارم که موسیقیدانم یا موسیقی را بخوبی می‌شناسم اما نسبت به موسیقی بی تفاوت نیستم و برایم مهم است و لحظه‌هایی که به موسیقی گوش می‌دهم، مانند لحظه‌هایی است که رمان می‌خوانم. یعنی گوش دادن موسیقی برای من خلوت ایجاد می‌کند و این یکی از مشخصات انسان مدرن است. انسان سنتی با اجداد و اطرافیانش تعریف می‌شود اما انسان مدرن با خود تعریف می‌شود و حسین علیزاده انسان مدرن است چرا که با موسیقی خود تعریف می‌شود...

مجیدی در سال ۱۳۸۶ نماینده ایران در مراسم اسکار بود. فیلمی با داستان ساده و فضای ساده که باعث شد سومین سمیرغ بلورین را برای حسین علیزاده به ارمان بیاورد. در سال ۱۳۸۷ آلبوم «آواز گنجشک‌ها» منتشر شد که ساخته‌های او حسین علیزاده در کنار برخی از آثار منتشر



سومین سمیرغ، آواز گنجشک‌ها



که نشان داد انتخاب هوشمندانه‌ای کرده‌است چرا که در هفدهمین جشنواره فیلم فجر دومین سمیرغ نصیب حسین علیزاده شد.

اولین سمیرغ، گبه



پنجمین اثری که این آهنگساز در سینما ساخت، فیلم سینمایی «گبه» بود. اثری که علاوه بر روایت عاشقانه از تصاویر زیبای طبیعت بکر ایران بهره برده است. محسن مخملباف با انتخاب حسین علیزاده دست

آهنگساز همه فن حریف

فرهنگی / کارنامه هنری حسین علیزاده در دنیای موسیقی فیلم بسیار پربار است، او برنده ۲ و نامزد ۵ سمیرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر است و از سوی دیگر به روایت آمار آلبوم‌های موسیقی فیلم او جزو آلبوم‌های پرفروش است که حاصل ۳۹ سال فعالیت حرفه‌ای او در عرصه ساخت موسیقی فیلم است. این نوازنده تا روزه‌تا سال ۱۳۶۷ یعنی زمانی که ۳۷ سال داشت با فیلم «چوپانان کویر» به کارگردانی حسین محجوب قدم به دنیای موسیقی فیلم گذاشت و آخرین فیلمی که او آهنگسازی آن را برعهده داشته فیلم «آتابای» به کارگردانی نیکی کریمی است که در سال ۱۳۹۸ ساخته شده است. «چوپانان کویر»، «میراث کهن»، «از اعصار»، «دلشدگان»، «گبه»، «ایرو آفتاب»، «مدرسه‌ای که یاد برد»، «ایران سرای من است»، «زشت و زیبا»، «دختران خورشید»، «عشق طاهر»، «آچد»، «لاک پشت هلم پرواز می‌کنند»، «زیر تیغ»، «نیوه مانگ»، «آواز گنجشک‌ها»، «در آن سوی»، «ملکه»، «در چشم باد»، «آسمان زرد کم عشق»، «آتابای» از جمله فیلم‌هایی است که با موسیقی حسین علیزاده حال و هوای متفاوتی گرفته‌اند. اگر بخواهیم به تک‌تک آثار حسین علیزاده در سینما بپردازیم نیاز به فضای بیشتری است به همین دلیل بخشی از کارهای این آهنگساز را انتخاب کردیم.

نشده این آهنگساز بود. مانند کارهای قبلی این آهنگساز موسیقی ایرانی ویژگی ثابت ساخته‌های او در سینما است.

اولین سریال تلویزیونی، زیر تیغ

سریال «زیر تیغ» ساخته محمدرضا هنرمند سال ۱۳۸۵ از تلویزیون پخش

